



بازگشت دختران روستا به کلاس‌ها

پس از خانه بهداشت، نبود مدرسه متوسطه اول به‌ویژه برای دختران، دغدغه دیگر نوقانی شد: «دختران روستا پس از پایان دوره ابتدایی به دلیل نبود امکانات آموزشی، از ادامه تحصیل باز می‌ماندند و گاه در سنین پایین ازدواج می‌کردند. این موضوع آزارم می‌داد و تصمیم گرفتم راهی برای حل آن پیدا کنم.» سرانجام او با همکاری آموزش و پرورش، دوره متوسطه اول را در روستا راه می‌اندازد و خیلی‌ها، حتی آن‌هایی که ترک تحصیل کرده بودند، دوباره به کلاس‌ها برمی‌گردند.

مقابله با تغییر و رشد

اما مسیر او آسان نبود، گاه با تهدید و مخالفت نیز روبه‌رو شد: «برخی اهالی به دلیل زن بودنم با فعالیت‌هایم مخالفت می‌کردند، حتی شیشه ماشینم را شکستند و تهدیدم کردند. چون دوست نداشتم فضای صمیمی بین من و اهالی را ببینند که باعث رشد و تغییر شده است. اما من از مسیرم خارج نشدم. در کنار این رفتارها، حمایت مردم و به‌ویژه خانواده‌ام، مادرم و همسرم، انگیزه‌ام را دوچندان کرد. هیچ‌وقت احساس ناتوانی یا محدودیت نکردم. او علاوه بر فراهم کردن فرصت‌های شغلی، اقتصادی و آموزشی برای زنان، با تأمین زمین و ساخت خانه برای خانواده‌های بی‌سرپرست و محروم، شادی و امید را به روستا بازگردانده است: «هیچ‌وقت آغوش‌های گرم زنان محرومی را که از خوش‌حالی خانه‌دار شدن در آغوشم کشیدند فراموش نمی‌کنم. باور دارم دعای خیرشان همیشه همراهم است و همین برایم آرامش می‌آورد.» مریم نوقانی می‌داند هیچ چیز مهم‌تر از تلاش برای بهتر شدن وضعیت زندگی مردم روستا نیست و مطمئن است که باید مسیرش را ادامه دهد. همه این موفقیت‌ها را لطف خداوند و از برکت دعای خیر پدر و مادر و همراهی همسر و فرزندش می‌داند و آن‌ها را

کسب و کاری برای خودشان

نوقانی می‌داندست که توسعه و پیشرفت هر جامعه به هم‌بستگی و مشارکت اعضای آن وابسته است. با همین باور، زنان گوندوک را به فعالیت‌های گروهی و کارآفرینی تشویق کرد. از دیگر اقدامات او در روستا، برپایی کارگاه‌های قالی‌بافی و خیاطی بود: «با دعوت از استادان در کارگاه‌ها، به زنان روستا آموزش‌های لازم داده شد و تسهیلات مالی برای راه‌اندازی کارگاه‌های خانگی در اختیارشان قرار گرفت. بسیاری از زنان توانستند کسب و کاری برای خودشان راه بیندازند، هرچند روستا هنوز مشکلات زیادی داشت، از جمله نبود خانه بهداشت و معابر آسفالتی.»

خانه‌ای که نماد شد

او که از نزدیک شاهد مشکلات مردم روستا بود، تلاش‌های بی‌وقفه خود را آغاز می‌کند تا مشکلات زیرساختی روستا را حل کند. نخستین قدم خود را در این مسیر برای ایجاد یک خانه بهداشت برمی‌دارد. به خصوص وقتی کودک یکی از اهالی به دلیل نبود امکانات درمانی جان باخت، نوقانی تصمیم گرفت برای ساخت خانه بهداشت اقدام کند: «با پیگیری‌های متعدد و نامه‌نگاری، بودجه ساخت خانه بهداشت تأمین شد، اما باید زمینی مناسب پیدا می‌کردیم. سرانجام با کمک اهالی و خیری که زمینی خارج از بافت روستا داشت، توانستیم زمین را تغییر کاربری و برای ساخت مرکز بهداشت تخصیص دهیم.»

امروز خانه بهداشت روستای گوندوک یکی از پروژه‌های موفق در این روستاست که مردم می‌توانند برای درمان بیماری‌های خود به آن مراجعه کنند و این خانه به عنوان نمادی از اراده بانویی سرسخت و نشان‌دهنده تغییرات بزرگ و تأثیرگذار در روستاست.

از دارایی‌های معنوی‌اش به حساب می‌آورد.

به دنبال سلامتی زنان روستا

امروز آرزوی بزرگش ساخت سالی و ورزشی برای بانوان و کودکان روستاست: «ورزش‌نقش مهمی در رشد جسمی و روانی کودکان دارد و باید فضایی مناسب برای آن‌ها داشته باشیم. در حال حاضر وسایل ساده‌ای در حسینیه وجود دارد، اما آرزو دارم فضایی مستقل با امکانات کامل برایشان فراهم شود.»

گرچه هنوز مشکلات بسیاری در روستا باقی است، امید و اعتماد این بانوی کارآفرین کم نشده است: «بانوان روستا در کارها خیلی به من کمک کرده‌اند و به آن‌ها گفته‌ام: نترسید، قدم‌هایتان را بردارید، به خدا توکل کنید و باور داشته باشید دستان خدا همیشه همراه‌ماست.»

برخی اهالی به دلیل زن بودنم با فعالیت‌هایم مخالفت می‌کردند؛ حتی شیشه ماشینم را شکستند و تهدیدم کردند. چون دوست نداشتم فضای صمیمی بین من و اهالی را ببینند که باعث رشد و تغییر شده است

